

ساخت و بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس ویژگی‌های اخلاقی در زنان

علی خادمی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ساخت و بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس ویژگی‌های اخلاقی در زنان به‌روشنی توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه مورد مطالعه کلیه دانشجویان زن شهر ارومیه بود که تعداد ۷۲۴ نفر از آنها به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و به مقیاس ویژگی‌های اخلاقی پاسخ دادند. داده‌های پژوهش به‌روشنی تحلیل عامل اکتشافی تجزیه و تحلیل شد. براساس تحلیل عامل اکتشافی، دوازده عامل استخراج گردید که عبارتند از: اخلاق بر پایه تنبیه، پاداش، تأیید اجتماعی، قانون، قراردادهای اجتماعی، اخلاق درونی شده، فرامن، استنباط شناختی، آداب دینی، یادگیری مشاهده، حساسیت اخلاقی و مهارت‌های اجرایی. این عامل‌ها توانست ۶۲/۷۴٪ از واریانس کل آزمون را تبیین نماید. برای بررسی روایی پرسش‌نامه از روایی محتوا، روایی سازه و تحلیل عاملی استفاده شد که شاخص‌های به‌دست‌آمده روایی قابل قبولی را نشان داد. پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به‌دست آمد. نتایج این پژوهش نشان داد که مشخصات روان‌سنجی ابزار ساخته شده قابلیت مناسبی دارد و در سنجش ویژگی‌های اخلاقی زنان و انجام پژوهش‌هایی در حوزه روان‌شناسی اخلاق می‌توان از آن استفاده نمود.

واژگان کلیدی: مقیاس ویژگی‌های اخلاقی، روایی مقیاس، پایایی مقیاس، سنجش ویژگی‌های اخلاقی زنان.

Constructing and Analyzing the Psychometric Characteristics of a Scale of Moral Attributes among Women

Ali Khademi¹

This descriptive-correlational study aimed to construct and analyze the psychometric characteristics of a scale of moral attributes among women. The population was all girl students living in the city of Urmia. 724 girls selected by the cluster sampling responded to a scale of moral attributes. The data were analyzed by the exploratory factor analysis. Based on it, 12 following factors were extracted: punishment-based ethics, reward, social proof, law, social contracts, internalized ethics, super-ego, cognitive inference, religious rites, observational learning, moral sensitivity, and executive skills. These factors could explain 62.74% of total variance of the test. To evaluate the validity of the questionnaire, content validity, construct validity, and factor analysis were applied that the obtained indicators showed an acceptable validity. Cronbach's alpha used for calculating the reliability was 0.88. According to the results, the psychometric characteristics of the scale has a favorable capability, and it can be used to measure women's moral attributes and other researches in the field of the psychology of ethics.

Keywords: scale of moral attributes, scale validity, scale reliability, measuring women's moral attributes.

Paper Type: Research

Data Received: 2019/04/30

Data Revised: 2020/09/05

Data Accepted: 2020/09/24

1. Associate Professor of Psychology, Faculty Member of Islamic Azad University, Urmia Branch, Urmia, Iran.

Email: dr.ali.khademi@yahoo.com

مفهوم اخلاق و قضاوت اخلاقی^۱ یکی از بحث‌انگیزترین مفاهیم پژوهشی است و ارائه تعریفی دقیق از آن آسان نیست. باین حال در یک دید کلی، هدف آن تنظیم رابطه انسان با خود، طبیعت و هم‌نوعانش است. رفتار اخلاقی، برای رساندن انسان به تعادل در روابط خود با خود، روابط خود با دیگران و روابط خود با طبیعت است. (باقری، ۱۳۹۸) در حوزه فلسفه و روان‌شناسی، افکار و آرای کانت^۲ در زمینه اخلاق دستوری و اخلاق آزاد، پایه عقاید و مواضع روان‌شناسان و فیلسوفان است. کانت، اخلاقی را که به معنی واداشتن، مجبورکردن و متکی بر عامل تابعیت باشد اخلاق دیگرپیرو نامید؛ یعنی مقررات وضع شده توسط دیگران که صورت امر و نهی پیدا کرده، تعیین‌کننده اخلاق است. از نظر کانت این اخلاق هرچند شکل قانونی داشته باشد باز هم اخلاق واقعی نیست. اخلاق واقعی فقط اخلاق خودپیرو است که در آن، فرد واضع و اجراکننده مقررات برای مهار خود است. در این مرحله اعمال فرد را ارزش‌ها و عقاید درونی و باطنی او مهار می‌کند. پیروی اخلاقی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم فلسفه اخلاقی کانت است (کدیور، ۱۳۹۸).

روان‌شناسان نظریه‌های مختلفی برای استدلال اخلاقی ارائه داده‌اند؛ از جمله آنهایی که مبتنی بر معرفت‌شناسی ژنتیکی^۳ پیازه^۴ هستند. نظریه پیازه در زمینه تحول اخلاقی از نظریه عمومی او در مورد رشد شناخت نشأت می‌گیرد. از نظریه اخلاق مانند هوش در قالب مراحل، رشد می‌کند. این مراحل به رشد شناختی افراد وابسته است و هر مرحله جدید، سطح بالاتری از آگاهی اخلاقی به دنبال دارد. وی استدلال کرد که روندی تحولی و شناختی وجود دارد که به موجب آن، کودکان براساس هنجارهای جامعه و برپایه آنچه درست و نادرست است، عمل می‌کنند. این روند به جای اینکه منفعلانه باشد، فعالانه است. (تیبیر، اینزلت و کلد، ۲۰۱۱)^۵ کلبرگ^۶ اخلاق را با مفهوم عدالت تبیین می‌کند و معتقد است که قضاوت‌های اخلاقی کودکان و نوجوانان، متضمن برداشت‌های متفاوتی از عدالت است.

1. Ethical judgment
2. Kant, I.
3. Genetic epistemology
4. Piaget, J.
5. Teper, R., Inzlicht, M., & Page-Gould, E.
6. Kohlberg, L.



علاوه براین، درک کودکان و نوجوانان از عدالت در سطوح مختلف فرق می‌کند. برخلاف مراحل رشد اخلاقی پیاژه، مراحل رشد اخلاقی کلبیگ به سن خاصی وابسته نیست. کلبیگ برای اطلاع از دلایل افراد در توجیه رفتارهایشان، داستان‌هایی تدوین کرد که هر یک شامل یک معمای اخلاقی بود. سپس درباره این معماها سؤال‌هایی مطرح کرد تا فرد درباره آنها استدلال کند. کلبیگ با تجزیه و تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها در مورد سؤال‌های داستان‌هایش، موفق شد مراحل تحول اخلاقی افراد را در سه سطح یا طراز و شش مرحله مشخص کند (گلور و برونینگ،^۱ ۱۳۸۸). گلیگان به طور خاص در مورد اخلاق زنان نظریه‌پردازی کرده است. او اعتقاد دارد که نحوه سازماندهی ادراک فرد از واقعیت در بین انسان‌ها متفاوت است و کیفیت آن در مردان و زنان نیز با یکدیگر تفاوت دارد. بنابراین، رفتار اخلاقی عبارت است از: کیفیت سازماندهی‌های ادراک فرد از واقعیت (گلیگان^۲، ۱۹۸۴).

رویکرد اخلاقی الیوت توریل^۳ تئوری قلمرویی^۴ نام دارد. او معتقد است که ریشه عدم درک‌های اساسی اخلاقی در اوایل زندگی است. این رویکرد اخلاقی بین اخلاق و عرف تمایز قائل می‌شود. در این تئوری، میان برداشت‌های در حال رشد کودک از اخلاق و حوزه‌های دیگر دانش اجتماعی مثل عرف اجتماعی تمایز گذارده می‌شود. بر این اساس، برداشت‌های کودک از اخلاق و عرف اجتماعی از تلاش‌های کودک برای توجیه تجارب اجتماعی متفاوت مرتبط با این دودسته رویداد اجتماعی ناشی می‌شود. کودکان شیوه‌های فکری خود را تولید می‌کنند و آن را بر عواطفی مانند همدلی، همدردی، احترام، عشق و وابستگی بنا می‌کنند. کودکان قضاوت‌های منحصر به فردی از رفاه، عدالت و حقوق دارند که با قضاوت‌های آنها درباره حوزه شخصی و نیز قراردادهای سیستم اجتماعی فرق دارد. (توریل^۵، ۲۰۱۸) مدل سه‌گانه هرمینگ^۶ اخلاق را به عنوان ترکیبی از سه فرایند درونی: آگاهی همدلانه^۷، برانگیختگی همدردانه^۸ و انگیزش نوع دوستانه^۹ در نظر گرفته است. این فرایندها درون فرد و با هم عمل

1. Glover, J. A., & Bruning, R. H.

2. Gilligan. C.

3. Turiel, E.

4. Territorial theory

5. Turiel, E.

6. Herming, W.

7. empathic awareness

8. sympathetic arousal

9. altruistic motivation



می‌کند تا ارتباطی هیجانی با سایر افراد از جمله خانواده، دوستان و حتی غریبه‌ها برقرار کنند و در مورد بهزیستی، حقوق و کرامت آنها دغدغه داشته باشند. هرمنگ گفته است که در تعریفی ساده هنگامی که با فردی تعامل برقرار می‌کنیم که در یک سطح اخلاقی قرار داریم به‌ویژه کسی که در رنج است، ابتدا موقعیت آنها را در نظر می‌گیریم (همدلی)، سپس با هیجانان آنها همراه می‌شویم (همدردی) و در نهایت با موقعیت آنها مواجه می‌شویم (نوع دوستی) (هرمنگ، ۱۳۹۷).

هاید^۱ (۲۰۰۷) نظریه شهود اجتماعی^۲ را ارائه داد که ارزیابی اخلاقی از طریق شهود و احساسات فوری اتفاق می‌افتد و این فرایندی شبیه به ادراک است تا استدلال. نظریه استدلال اخلاقی هوسر نیز گرامر اخلاقی ذاتی را فرض می‌کند. از نظر او دستور زبان، جهانی است و با مجموعه‌ای از اصول و پارامترها برای ساختن سیستم‌های اخلاقی همراه است (هوسر، کوشمن، یانگ، جین و میخایل، ۲۰۰۷). در نظریه استدلال اخلاقی گرین و همکارانش، برخی از مسائل اخلاقی، پردازش عاطفی بیشتری درگیر می‌کنند و این درگیر شدن عاطفی بر داوری اخلاقی افراد تأثیر می‌گذارد. از نظر گرین، واکنش عاطفی به اقداماتی مربوط است که نزدیک، شخصی و خودکار هستند (گرین، نیستروم، انگل، دارلی و کوهن، ۲۰۰۴). در نظریه فراشناخت اخلاقی^۵ سوانسون و هیل^۶ (۱۹۹۳) فراشناخت‌های اخلاقی نشان‌دهنده دانش یا آگاهی شخص از ماهیت، اصول و فرایندهای اخلاقی است. در موقعیت استدلال یا رفتار اخلاقی، دانش فراشناخت اخلاقی، همه دانش و عقایدی را که در مورد اخلاقی بودن در حافظه درازمدت ذخیره شده است، بازنمایی می‌کند. برای مثال فرد می‌داند که خوش اخلاق بودن چه ویژگی‌هایی دارد (سوانسون و هیل، ۱۹۹۳).

کاربرد اصطلاح اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از: «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود». (مجلسی، ۱۳۸۸) مطهری (۱۳۷۸) تعریفی از اخلاق را می‌پذیرد که

1. Haidt, J.
2. Theory of «Social Intuition»
3. Hauser, M. D., Cushman, F., Young, L., Jin, K-X. R., & Mikhail, J.
4. Greene, J. D., Nystrom, L. E., Engell, A. D., Darley, J. M., & Cohen, J. D.
5. Theory of moral metacognition
6. Swanson, L. H., & Hill, G.



هم به چگونه رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونه بودن یا چگونگی رفتار؛ یعنی به اعمال انسان مربوط می‌شود که شامل گفتار هم می‌شود. چگونه بودن با صفات و ملکات نفسانی مرتبط است. اخلاق جدید عبارت است از قبول غرایز، هدایت و سوق آنها به سوی هیجانات عالی‌تر برای بهبود وضع اجتماعی و روانی مردم دنیا. این امری است که هرچه در راه آن کوشش شود، ارزش دارد؛ زیرا منظور حقیقی، ترقی و تمدن است و برای حفظ صلح و همزیستی افراد، اجتماعات و کمال زندگانی بسیار لازم است. اخلاق جدید عبارت است از: سیستم درونی سازی شده الگوها و واکنش‌های شناختی - عاطفی که در فرد ایجاد می‌شود تا حس تعلق به نژاد بشر را به صورت پویا و فعال برای بهزیستی انسان‌ها شکل دهد (هدفیلد^۱، ۱۳۷۴).

برای ارزیابی ویژگی‌های اخلاقی از ابزارهایی مثل پرسش‌نامه تحول اخلاقی کلبِرگ استفاده می‌شود که پاسخ‌باز است و بعد از طرح معماهای اخلاقی از آزمودنی می‌خواهد در مورد درستی یا نادرستی رفتار نظر دهد و استدلال خود را بنویسد. این آزمون از نظر نمره‌گذاری و تفسیر، محدودیت‌های خاص خود را دارد به صورتی که سوگیری آزماینده، مسئله‌ای جدی است. از طرف دیگر، این آزمون و آزمون‌های دیگر، محدودیت‌های فرهنگی دارند؛ داستان‌ها و معماهای مطرح شده در بیشتر مواقع با فرهنگ جامعه ایران سازگار نیستند. محدودیت دیگر این آزمون‌ها تک بعدی بودن آنها از لحاظ نظری است؛ یعنی فقط برپایه یک نظریه اخلاقی شکل گرفته‌اند. محدودیت چهارم این ابزارها آن است که بیشتر برای سنجش اخلاق مردان ساخته شده‌اند. این محدودیت‌ها موجب شد که نگارنده به دنبال ساخت و هنجاریابی مقیاس ویژگی‌های اخلاقی در زنان برپایه تئوری‌های مهم باشد. بنابراین، پژوهش حاضر قصد دارد پرسش‌های اصلی زیر را مورد آزمون قرار دهد:

- ابزار ساخته شده برای سنجش ویژگی‌های اخلاقی زنان، کدام عوامل را دارند؟

- آیا ابزار ساخته شده برای سنجش ویژگی‌های اخلاقی زنان، پایایی و روایی لازم را

دارند؟



۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع آمیخته است. در بخش اول، مصاحبه‌های تخصصی با صاحب نظران براساس تئوری‌های مختلف با استفاده از مصاحبه ساخت یافته و نیمه ساخت یافته انجام و سپس شاخص‌های اولیه مفهومی از درون آنها استخراج و سؤال‌ها براساس آنها طراحی شد. بخش دوم پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. چون مطالعه حاضر به دنبال بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی یک پرسش‌نامه بود در واقع کشف روابط درونی و ساختاری ماتریس واریانس-کوواریانس پاسخ‌های آزمودنی‌ها به سؤال‌ها، مهم می‌باشد. تمام روش‌هایی که در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی یک پرسش‌نامه انجام می‌گیرد، جزء روش‌های همبستگی است و قانون انتخاب حجم نمونه در چنین مطالعاتی و مطالعات همبستگی یکسان است (مقدسین، ارجمند و محمدخانی، ۱۳۹۸).

پس از اجرای پرسش‌نامه، برای ۷۲۴ نفر آزمودنی مراحل زیر با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS ۲۰ به ترتیب اجرا شد: مشخصه‌های آماری مجموعه مواد پرسش‌نامه با استفاده از روش‌های متداول در آمار توصیفی تعیین شد. ضریب پایایی مجموعه پرسش‌ها با فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. برای سنجش روایی محتوای پرسش‌نامه از نظر متخصصان استفاده شد. به این ترتیب که سؤال‌ها در اختیار ۱۰ نفر از اساتید متخصص روان‌سنجی، روان‌شناسی اخلاق و علم اخلاق قرار داده شد و از آنها خواسته شد درباره محتوای سؤال‌ها نظر دهند. نظر آنها در همه سؤال‌ها اعمال و نسخه نهایی آماده شد. برای بررسی روایی و استخراج عوامل از روش تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس استفاده شد. برای سنجش روایی سازه، از روش میزان همبستگی مقیاس با آزمون اخلاقی لیند و تحلیل عاملی استفاده شد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه، تمام دانشجویان زن شهر ارومیه بود. در پژوهش حاضر به استناد جدول تعیین نمونه مورگان، نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر لازم بود، ولی برای افزایش دقت پژوهش، نمونه‌ای به تعداد ۷۲۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از جامعه مذکور انتخاب شد.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. مقیاس ویژگی‌های اخلاقی

این مقیاس با ۷۲ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت توسط پژوهشگر طراحی و ساخته شد. نمره‌گذاری گویه‌های شماره ۹، ۲۱، ۲۴، ۳۳، ۳۶، ۵۹ و ۷۱ به صورت معکوس است. در پژوهش حاضر ابتدا با ۱۰ صاحب نظر (۶ مرد و ۴ زن دارای سطح تحصیلی دکترا و پست سازمان هیئت علمی) که در روان‌سنجی، روان‌شناسی اخلاق و علم اخلاق تخصص داشتند، براساس تئوری‌های مختلف، مصاحبه ساخت یافته و نیمه ساخت یافته انجام شد. مدت زمان مصاحبه با هر فرد، بیش از ۲ ساعت بود و مصاحبه به صورت نوشتاری ثبت شد. برای ارتقای روایی مصاحبه‌ها از سوگیری‌های احتمالی اجتناب و از راهنماهای مشابه ساخت یافته یا استاندارد شده مصاحبه استفاده شد، سپس شاخص‌های اولیه مفهومی از درون آنها استخراج گردید.

برای به دست آوردن روایی شاخص‌های استخراج شده، این شاخص‌ها در اختیار همان متخصصان قرار گرفت و دیدگاه نهایی ایشان اخذ و سؤال‌ها براساس دیدگاه نهایی آنها طراحی و سپس ۱۳۲ سؤال طراحی و برای ارزیابی به اساتید متخصص ارائه شد. در نهایت براساس نظر ایشان ۹۰ سؤال باقی ماند. پس از اجرای مقدماتی و دریافت بازخورد مناسب، سؤال‌ها در نمونه مورد نظر اجرا گردید. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که واریانس ۱۸ سؤال خیلی کم است که آن سؤال‌ها از مقیاس حذف شدند. در نهایت، مقیاس نهایی به شیوه لیکرتی در ۷۲ گویه تهیه شد. برای تعیین روایی مقیاس، سؤالات در اختیار متخصصان قرار گرفت و نظر آنها درباره سؤال‌ها به صورت پاسخ بسته دریافت شد. نتایج نشان داد که در ۹۲٪ سؤال‌ها، متخصصان گزینه «سؤال کاملاً مناسب است» و ۸٪ هم گزینه «سؤال مناسب است» را انتخاب کردند. بنابراین، با توجه به این سطح روایی متخصصان، مقیاس نهایی مشخص و برای اجرای وسیع آماده شد. در ساخت این مقیاس از نظریات و رویکردهای زیر استفاده شد:

- نظریه اخلاقی کلبگ: این رویکرد براساس دیدگاه تحولی، تحول اخلاقی را در ۶ مرحله شامل اخلاق مبتنی بر تنبیه و قدرت، کسب پاداش، تأیید دیگران، قانون، قراردادهای

اجتماعی و اخلاق درونی شده معرفی می‌کند؛

- نظریه فروید: این رویکرد براساس دیدگاه روان‌کاوی، تحول اخلاقی را براساس رشد فرمان و با ۲ عنصر وجدان و من‌آرمانی معرفی می‌کند؛

- نظریه شناختی: این رویکرد براساس دیدگاه شناختی، تحول اخلاقی را براساس استنباط‌های شناختی و شیوه تفسیر موقعیتی معرفی می‌کند؛

- نظریه یادگیری مشاهده‌ای: این رویکرد براساس دیدگاه بندورا، تحول اخلاقی را براساس الگوبرداری اخلاقی و یادگیری مشاهده‌ای رفتار اخلاقی معرفی می‌کند؛

- نظریه دینی: این رویکرد براساس دیدگاه اسلام، تحول اخلاقی را براساس پایبندی دینی و ایمان و آیین‌های مذهبی معرفی می‌کند؛

- نظریه اخلاقی رست: این رویکرد براساس دیدگاه رست، تحول اخلاقی را با مؤلفه‌های حساسیت اخلاقی، انگیزش، قضاوت و مهارت‌های اجرایی اخلاقی معرفی می‌کند.

۲-۳-۲. مقیاس تحول اخلاقی لیند

در این پرسش‌نامه ابتدا داستانی ارائه می‌شود و سپس ۱۲ سؤال پاسخ‌بسته طرح می‌شود و آزمودنی با استدلال خود به سؤال‌ها پاسخ می‌دهد. در یک بررسی ایرانی، پایایی این پرسش‌نامه ۰/۶۴. گزارش شده است. همچنین همبستگی نمره این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه رست برابر با ۰/۸۷. به دست آمده است.

۳. یافته‌های پژوهش

جدول ۱

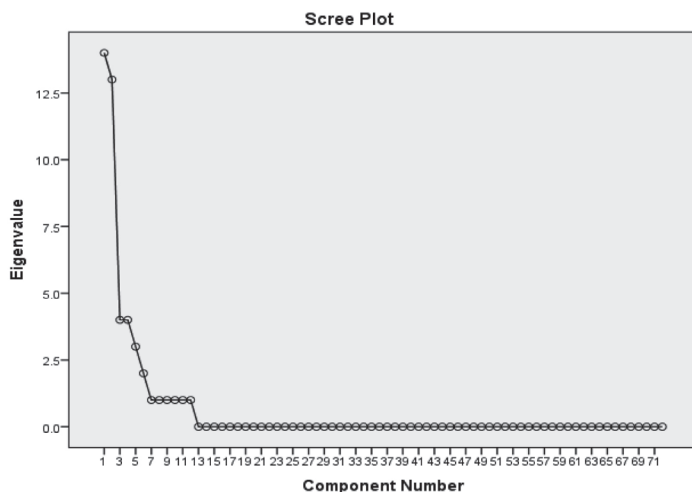
نتایج آزمون KMO و کرویت بارتلت مقیاس ویژگی‌های اخلاقی

| معناداری | کرویت بارتلت | KMO |
|----------|--------------|------|
| ۰/۰۰۱ | ۵۴۳۹/۳۸۱ | ۰/۹۴ |

اندازه‌های KMO (شاخص کفایت حجم نمونه) و نتایج آزمون بارتلت برای ماتریس همبستگی‌های حاصل در گروه نمونه در جدول ۱ نمایش داده شده است. چنان‌که در جدول ۱ دیده می‌شود، مقدار KMO برابر ۰/۹۴ و سطح معنادار بودن آزمون کرویت بارتلت

1. Kaiser - Meyer - Olkin

نیز کمتر از ۰/۰۰۱ است. بنابراین، برپایه هردو شاخص می توان نتیجه گرفت که نمونه کل، در حد مناسب است و گویه ها به اندازه کافی برای ساختن یک سازه نظری با هم همبستگی دارند و امکان تحلیل عاملی وجود دارد.



نمودار ۱: نمودار سنگ ریزه مقادیر ویژه

نمودار ۱ مقادیر ویژه را به ترتیب کاهشی نشان داده است. این نمودار نشان می دهد که ۱۲ عامل اصلی وجود دارد؛ زیرا بقیه عناصر، زیرا هستند.

جدول ۲

ماتریس عامل های چرخش یافته ۷۲ سؤالی به شیوه واریماکس

| سؤال ها | عامل ۱ | عامل ۲ | عامل ۳ | عامل ۴ | عامل ۵ | عامل ۶ | عامل ۷ | عامل ۸ | عامل ۹ | عامل ۱۰ | عامل ۱۱ | عامل ۱۲ |
|---------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|---------|---------|---------|
| Q۱ | .۰۶۳ | | | | | | | | | | | |
| Q۱۳ | .۰۶۷ | | | | | | | | | | | |
| Q۲۵ | .۰۷۲ | | | | | | | | | | | |
| Q۳۷ | .۰۶۹ | | | | | | | | | | | |
| Q۴۹ | .۰۷۰ | | | | | | | | | | | |
| Q۶۱ | .۰۶۰ | | | | | | | | | | | |
| Q۲ | | .۰۷۹ | | | | | | | | | | |
| Q۱۴ | | .۰۸۳ | | | | | | | | | | |
| Q۲۶ | | .۰۶۵ | | | | | | | | | | |
| Q۳۸ | | .۰۷۸ | | | | | | | | | | |
| Q۵۰ | | .۰۷۱ | | | | | | | | | | |
| Q۶۲ | | .۰۵۹ | | | | | | | | | | |
| Q۳ | | | | | | | | | | | | .۰۸۵ |



| سؤال ها | عامل ۱ | عامل ۲ | عامل ۳ | عامل ۴ | عامل ۵ | عامل ۶ | عامل ۷ | عامل ۸ | عامل ۹ | عامل ۱۰ | عامل ۱۱ | عامل ۱۲ |
|---------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|---------|---------|---------|
| Q۱۵ | | | .۱۶۶ | | | | | | | | | |
| Q۲۷ | | | .۱۵۴ | | | | | | | | | |
| Q۳۹ | | | .۱۵۹ | | | | | | | | | |
| Q۵۱ | | | .۱۷۲ | | | | | | | | | |
| Q۶۳ | | | .۱۶۳ | | | | | | | | | |
| Q۴ | | | | .۱۵۶ | | | | | | | | |
| Q۱۶ | | | | .۱۴۸ | | | | | | | | |
| Q۲۸ | | | | .۱۶۵ | | | | | | | | |
| Q۴۰ | | | | .۱۶۱ | | | | | | | | |
| Q۵۲ | | | | .۱۵۹ | | | | | | | | |
| Q۶۴ | | | | .۱۷۰ | | | | | | | | |
| Q۵ | | | | | .۱۵۳ | | | | | | | |
| Q۱۷ | | | | | .۱۶۷ | | | | | | | |
| Q۲۹ | | | | | .۱۶۶ | | | | | | | |
| Q۴۱ | | | | | .۱۷۲ | | | | | | | |
| Q۵۳ | | | | | .۱۵۴ | | | | | | | |
| Q۶۵ | | | | | .۱۵۹ | | | | | | | |
| Q۶ | | | | | | .۱۵۵ | | | | | | |
| Q۱۸ | | | | | | .۱۶۷ | | | | | | |
| Q۳۰ | | | | | | .۱۶۵ | | | | | | |
| Q۴۲ | | | | | | .۱۵۵ | | | | | | |
| Q۵۴ | | | | | | .۱۵۹ | | | | | | |
| Q۶۶ | | | | | | .۱۷۱ | | | | | | |
| Q۷ | | | | | | | .۱۵۵ | | | | | |
| Q۱۹ | | | | | | | .۱۶۴ | | | | | |
| Q۳۱ | | | | | | | .۱۸۷ | | | | | |
| Q۴۳ | | | | | | | .۱۶۸ | | | | | |
| Q۵۵ | | | | | | | .۱۵۸ | | | | | |
| Q۶۷ | | | | | | | .۱۵۷ | | | | | |
| Q۸ | | | | | | | | .۱۴۴ | | | | |
| Q۲۰ | | | | | | | | .۱۶۲ | | | | |
| Q۳۲ | | | | | | | | .۱۶۰ | | | | |
| Q۴۴ | | | | | | | | .۱۶۰ | | | | |
| Q۵۶ | | | | | | | | .۱۴۹ | | | | |
| Q۶۸ | | | | | | | | .۱۶۴ | | | | |
| Q۹ | | | | | | | | | .۱۸۴ | | | |
| Q۲۱ | | | | | | | | | .۱۵۶ | | | |
| Q۲۳ | | | | | | | | | .۱۷۸ | | | |
| Q۴۵ | | | | | | | | | .۱۷۷ | | | |
| Q۵۷ | | | | | | | | | .۱۵۸ | | | |
| Q۶۹ | | | | | | | | | .۱۶۵ | | | |
| Q۱۰ | | | | | | | | | | .۱۷۹ | | |
| Q۲۲ | | | | | | | | | | | .۱۶۱ | |

| سؤال‌ها | عامل ۱ | عامل ۲ | عامل ۳ | عامل ۴ | عامل ۵ | عامل ۶ | عامل ۷ | عامل ۸ | عامل ۹ | عامل ۱۰ | عامل ۱۱ | عامل ۱۲ |
|---------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|---------|---------|---------|
| Q۳۴ | | | | | | | | | | . / ۵۵ | | |
| Q۴۶ | | | | | | | | | | . / ۷۳ | | |
| Q۵۸ | | | | | | | | | | . / ۶۵ | | |
| Q۷۰ | | | | | | | | | | . / ۵۶ | | |
| Q۱۱ | | | | | | | | | | . / ۵۶ | | |
| Q۲۳ | | | | | | | | | | . / ۴۹ | | |
| Q۳۵ | | | | | | | | | | . / ۸۲ | | |
| Q۴۷ | | | | | | | | | | . / ۵۴ | | |
| Q۵۹ | | | | | | | | | | . / ۵۴ | | |
| Q۷۱ | | | | | | | | | | . / ۵۷ | | |
| Q۱۲ | | | | | | | | | | . / ۴۳ | | |
| Q۲۴ | | | | | | | | | | . / ۴۵ | | |
| Q۳۶ | | | | | | | | | | . / ۶۷ | | |
| Q۴۸ | | | | | | | | | | . / ۶۵ | | |
| Q۶۰ | | | | | | | | | | . / ۵۹ | | |
| Q۷۲ | | | | | | | | | | . / ۵۰ | | |

در جدول ۲ ماتریس عامل‌های چرخش یافته ۷۲ سؤالی به شیوه واریماکس ارائه شده است. این اطلاعات نشان می‌دهد که سؤال‌ها مربوط به عامل‌های استخراج‌شده براساس ضرایب همبستگی به دست آمده و به خوبی روی عامل خودش قرار گرفته است.

جدول ۳

جدول کل واریانس تبیین‌شده عوامل مقیاس ویژگی‌های اخلاقی

| عامل | ارزش ویژه | درصد واریانس | درصد تراکمی |
|------|-----------|--------------|-------------|
| ۱ | ۶/۸۸ | ۸/۴۶ | ۸/۴۶ |
| ۲ | ۵/۱۲ | ۷/۵۶ | ۱۶/۰۲ |
| ۳ | ۳/۴۵ | ۶/۱۳ | ۲۲/۱۵ |
| ۴ | ۳/۳۰ | ۵/۹۸ | ۲۸/۱۳ |
| ۵ | ۳/۰۹ | ۵/۶۷ | ۳۳/۸۰ |
| ۶ | ۲/۸۷ | ۵/۰۱ | ۳۸/۸۱ |
| ۷ | ۲/۷۵ | ۴/۷۷ | ۴۳/۵۸ |
| ۸ | ۲/۱۵ | ۴/۰۷ | ۴۷/۶۵ |
| ۹ | ۱/۹۸ | ۳/۹۷ | ۵۱/۶۲ |
| ۱۰ | ۱/۸۰ | ۳/۷۵ | ۵۵/۳۷ |
| ۱۱ | ۱/۷۶ | ۳/۷۱ | ۵۹/۰۸ |
| ۱۲ | ۱/۷۰ | ۳/۶۶ | ۶۲/۷۴ |

مشخصه‌های آماری اصلی اولیه که در اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمد در جدول ۳ برای هر عامل، جداگانه نمایش داده شده است. چنان‌که دیده می‌شود ۱۲ عامل وجود دارد که مقدار ویژه بالای یک دارند و مشاهده می‌شود ۱۲ عامل استخراج شده در مجموع ۶۲/۷۴٪ از واریانس کل مقیاس را تبیین کرد.

جدول ۴

پایایی، تعداد سؤال‌ها و نام عوامل دوازده‌گانه مقیاس ویژگی‌های اخلاقی

| عامل | عنوان | تعداد سؤال | مقدار آلفای کرونباخ |
|------|---------------------------------|------------|---------------------|
| ۱ | اخلاق برپایه تنبیه مراجع قدرت | ۶ | ۰/۶۸ |
| ۲ | اخلاق برپایه پاداش مراجع قدرت | ۶ | ۰/۷۱ |
| ۳ | اخلاق برپایه تأیید اجتماعی | ۶ | ۰/۷۳ |
| ۴ | اخلاق برپایه قانون | ۶ | ۰/۷۷ |
| ۵ | اخلاق برپایه قراردادهای اجتماعی | ۶ | ۰/۷۰ |
| ۶ | اخلاق درونی شده | ۶ | ۰/۷۶ |
| ۷ | اخلاق برپایه فرامن | ۶ | ۰/۷۸ |
| ۸ | اخلاق برپایه استنباط شناختی | ۶ | ۰/۸۱ |
| ۹ | اخلاق برپایه آداب دینی | ۶ | ۰/۷۹ |
| ۱۰ | اخلاق برپایه یادگیری مشاهده | ۶ | ۰/۶۹ |
| ۱۱ | حساسیت اخلاقی | ۶ | ۰/۷۲ |
| ۱۲ | مهارت‌های اجرایی اخلاقی | ۶ | ۰/۶۹ |
| - | کل مقیاس | ۷۲ | ۰/۷۶ |

جدول ۴ پایایی، تعداد سؤال‌ها و نام عوامل دوازده‌گانه مقیاس ویژگی‌های اخلاقی را نشان می‌دهد. برای برآورد پایایی پرسش‌نامه طیف لیکرت از روش همسانی درونی یا آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب پایایی عامل‌ها بالاتر از ۰/۷۰ یا نزدیک به آن است. بنابراین، مقیاس ویژگی‌های اخلاقی، ابزاری پایاست.

جدول ۵

ضرایب همبستگی بین مقیاس ویژگی‌های اخلاقی و آزمون تحول اخلاقی لیند

| مقیاس ویژگی‌های اخلاقی | تعداد نمونه | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------------------------|-------------|--------------|--------------|
| آزمون تحول اخلاقی لیند | ۷۲۴ | ۰/۷۷ | ۰/۰۰۱ |



برای تعیین ثبات مقیاس، روایی سازه آزمون با محاسبه همبستگی بین مقیاس ویژگی های اخلاقی و آزمون تحول اخلاقی لیند بررسی شد. نتایج آزمون همبستگی مندرج در جدول ۵ نشان داد که مقیاس ویژگی های اخلاقی و آزمون تحول اخلاقی لیند، همبستگی مثبت داشته و این همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. نتایج نشان می دهد که به دلیل وجود همبستگی بالا، مقیاس ویژگی های اخلاقی، روایی سازه قابل قبولی دارد.

جدول ۶

شاخص های توصیفی عوامل استخراج شده مقیاس ویژگی های اخلاقی

| انحراف معیار | میانگین | عامل های استخراج شده |
|--------------|---------|---------------------------------|
| ۲/۳۱ | ۷/۶۵ | اخلاق برپایه تنبیه مراجع قدرت |
| ۲/۷۳ | ۸/۵۴ | اخلاق برپایه پاداش مراجع قدرت |
| ۳/۲۳ | ۱۴/۴۵ | اخلاق برپایه تأیید اجتماعی |
| ۲/۲۵ | ۱۶/۱۷ | اخلاق برپایه قانون |
| ۲/۸۷ | ۱۶/۵۲ | اخلاق برپایه قراردادهای اجتماعی |
| ۳/۶۲ | ۱۷/۱۱ | اخلاق درونی شده |
| ۲/۴۱ | ۱۷/۶۷ | اخلاق برپایه فرامن |
| ۲/۹۷ | ۱۶/۳۴ | اخلاق برپایه استنباط شناختی |
| ۲/۷۵ | ۱۷/۸۶ | اخلاق برپایه آداب دینی |
| ۲/۳۳ | ۱۴/۲۵ | اخلاق برپایه یادگیری مشاهده |
| ۲/۲۸ | ۱۶/۶۶ | حساسیت اخلاقی |
| ۲/۷۹ | ۱۵/۹۱ | مهارت های اجرایی اخلاقی |

داده های جدول ۶ شاخص های آمار توصیفی را نشان می دهد. براساس داده های این جدول، بین ۱۲ عامل مقیاس ویژگی های اخلاقی، میانگین عامل اخلاق برپایه تنبیه، کمتر از سایر عامل ها و میانگین اخلاق دینی، بزرگ تر از دیگر عامل هاست.

۴. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ساخت و بررسی پایایی و اعتبار مقیاس بومی مقیاس ویژگی های اخلاقی دانشجویان زن انجام گرفت. با رعایت اصول روان سنجی و اجرای تحلیل عامل اکتشافی مقیاس ۷۲ سؤالی با ۱۲ عامل استخراج شد که همه گویه ها بار عاملی مناسبی



داشتند و یافته‌ها نشان داد که عامل‌های استخراج‌شده، توانستند ۶۲/۷۴٪ از واریانس کل آزمون را تبیین کنند. نتایج، حاکی از مناسب بودن روایی ابزار با سه روش روایی محتوایی، روایی سازه و تحلیل عاملی و اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ بود. پایایی کل مقیاس برابر ۰/۷۶ برآورد شد که نشان‌دهنده پایابودن ابزار است. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که این مقیاس برای جامعه مورد نظر، روایی و پایایی مناسب دارد.

گویه‌های مقیاس ویژگی‌های اخلاقی با ادبیات نظری و تجربی همسوست و نظریه‌های تحول اخلاقی می‌توانند به تبیین یافته‌ها کمک کنند. عوامل استخراج شده اول تا ششم با توجه به محتوای سؤال‌ها برپایه مراحل شش‌گانه نظریه کلبگ نام‌گذاری شده است. براساس دیدگاه کلبگ، تحول اخلاقی هر فرد براساس تحول شناختی او اتفاق می‌افتد. او مرحله‌ای بودن رشد اخلاقی را قبول دارد و تعیین مراحل رشد اخلاقی در هر فرد را براساس توانای یه‌های ذهنی و شناختی او می‌پذیرد (محسنی، ۱۳۹۷). از نظریه رشد اخلاقی، روندی کند دارد و به مرور زمان تکامل می‌یابد و تنها راه تشویق به رشد این مراحل اخلاقی، بحث در مورد معضلات اخلاقی و مشارکت مبتنی بر دموکراسی در گروه‌های کوچک است. این امر باعث تحریک و گسترش تفکر اخلاقی کودکان و بزرگسالان می‌شود و به آنها امکان پیشرفت از یک مرحله به مرحله دیگر را می‌دهد.

کار کلبگ، متکی به تحلیل چگونگی همکاری روان‌شناسی و فلسفه اخلاقی است. در این راستا، کلبگ سه معیار را برای نظریه خود ترسیم کرد و با کار خود، جهت‌گیری مشخصی از عدالت مشخص کرد. اولین معیار، ملاک ساختار است. این معیار می‌گوید که افراد در هر مرحله، بدون توجه به شرایط، سطح استدلال یکسانی را نشان می‌دهند. معیار دوم، معیار توالی است.

در درون این نظریه، افراد به صورت مجموعه‌ای حرکت می‌کنند که تغییر نمی‌کند، حتی اگر محیط تغییر کند. آخر اینکه ملاک، سلسله‌مراتب است. این معیار می‌گوید که در این نظریه، برای ایجاد مراحل بالاتر، طی کردن مراحل قبلی لازم است. هر مرحله شامل مواردی است که قبل از آن در مراحل قبل آمده است. او اعتقاد داشت هر مرحله از نظر کیفی از سایر مراحل مجزا است و هر کدام از مراحل، الگویی عمومی از تفکر را در طیف گسترده‌ای از



مسائل، نه فقط مسائل اخلاقی، نشان می‌دهد. از نظر گلبرگ مراحل اخلاقی طی زنجیره‌ای از گام‌ها شکل می‌گیرد و افراد هرگز مرحله‌ای را پرش نمی‌کنند و هرگز مراحل را خارج از ترتیب فرامی‌گیرند هرچند رشد مرحله‌ای خاص، تضمین شده نیست، حتی آخرین مرحله آنها هر فرد براساس زنجیره مشابهی از مراحل به رشد اخلاقی می‌رسد و دانش و تجربه مراحل قبل را در مرحله جدید ترکیب می‌کنند. (مارگونی و سورین، ۲۰۲۰^۱)

عامل هفتم اسخراج شده در پژوهش حاضر بر پایه نظریه فروید نام‌گذاری شده است. از نظر روان‌تحلیل‌گری، برای رسیدن به مفهوم احساس اخلاقی باید به روان‌بنه‌های مربوط به اشخاص و به‌ویژه مربوط به والدین و مسئله فرامن اندیشید. در این مورد باید مسائل مربوط به فرامن را واریسی کرد. کودک در سطح کودکی، نخست عواطف خود را در شخص پدر و مادر متمرکز می‌کند، اما در این سطح است که از نظر روان‌تحلیل‌گران فرامن در چارچوب یک رابطه مثلثی، عقده ادیپ که دوره قطب‌گرایی عواطف است، شکل می‌گیرد. روش‌های واکنشی که کودک در رویارویی با والدین خود می‌آموزد نقطه شروع تداوم هستند. طرح‌ریزی این واکنش‌ها که هم جنبه عاطفی و هم جنبه شناختی دارند در حکم خصیصه‌های تشکیل‌دهنده ثبات یا تداوم عاطفی هستند. بنابراین، فرامن با وجود تصور روان‌تحلیل‌گران، منبع درون‌سازی و تصمیم‌گیری دائم است و فقط یک مکانیزم همسان‌سازی نیست. در نتیجه، نخستین احساسات اخلاقی در گستره احساسات خانوادگی شکل می‌گیرد؛ زیرا فرامن یکی از سرچشمه‌های اخلاق اطاعت یا فرمان‌برداری است که بدون نخستین احساسات اخلاقی در کودک به وجود می‌آید. (منصور، ۱۳۹۸) درباره شکل‌گیری فرامن باید تأکید کرد که کودک با شخص والدین، همسان‌سازی نمی‌کند بلکه همسان‌سازی با فرامن آنها صورت می‌گیرد. فروید با استفاده از اصطلاح همسان‌سازی با پایگاه والدین، این تمایز را برجسته کرده است. بدین ترتیب، فرامن کودک از همان محتوا مملو خواهد شد و معرف احکام ارزشی و سنت‌هایی خواهد شد که در خلال نسل‌ها پایدار مانده‌اند. در این راستا، فرامن را که پایگاه اخلاقی ناهشیار است نباید با هشیاری اخلاقی مشتبه کرد (منصور و دادستان، ۱۳۹۶).

عامل هشتم، اسخراج شده از پژوهش حاضر بر پایه نظریه شناختی نام‌گذاری شده است.

در این نظریه با توجه به محوریت زیربنایی سامانه استنباطی، رفتارهای اخلاقی براساس نظام شناختی و استنباطی فرد تفسیر خواهد شد. انعطاف ناپذیری نظام استنباطی، سبب ساز بروز سوگیری تفسیری و رفتارهای نامناسب اخلاقی است. در این حالت، فرایند فرضیه‌آزمایی و نظریه‌پردازی استنباطی فرد دچار اشکالاتی می‌شود و تشخیص اخلاقی را خدشه دار می‌کند. همچنین اگر دانشمند درون فرد بر فرضیه و نظریه خود با وجود نشانه‌های خلاف، اصرار بورزد و برپیش‌بینی‌های مبتنی بر همین‌ها متکی بماند باز هم تشخیص اخلاقی آسیب می‌بیند. ازسوی دیگر اگر سازه‌های استنباطی دانشمند درون فرد دستخوش دگرگونی و برهم‌ریختگی شود، نمی‌تواند سامانه سازه‌ای قابل اعتماد و کارآمدی شکل دهد و چنین سازمانی قدرت و ارزش پیش‌بینی نخواهد داشت. در واقع، سازمان استنباطی مبتنی بر نابهنجاری روانی و اخلاق نامناسب، هنگام پیمودن سه گامگاه اصلی فرایند استنباطی بروز می‌کند: اول، کاربرد استنباط‌ها در موقعیت جدید؛ دوم، کاربرد استنباط برای پیش‌بینی و سوم، چگونگی سازمان‌دهی کل سازمان سازه‌های شخصی (پروین، ۱۳۹۵).

عامل نهم، استخراج شده از پژوهش حاضر بر پایه نظریه دینی نام‌گذاری شده است. اخلاق اسلامی، هدفی برای فراهم‌کردن شرایط زندگی مناسب زندگی اخروی است. در اسلام بر کنترل شهوات و لذت‌طلبی‌های کورکورانه برای رسیدن به فلاح و رستگاری توصیه شده است. از نظر قرآن، انسان رشته‌ای از ارزش‌ها دارد و رشته‌ای از ضدارزش‌ها مانند خدایی‌بودن، رعایت حلال، راست‌گویی، رعایت حق دیگران و نوع دوستی و در نقطه مقابل آن، دروغ‌گویی، خیانت، حسادت، ظلم به دیگران و انجام کارهای حرام. روش اخلاقی در اسلام عبارت است از انجام کار نیک و دوری از کار زشت. (غیائی، ۱۳۹۲) همچنین شاخص اخلاق در اسلام، داشتن ایمان است. ایمان، سه جنبه نیتی، گفتاری و عملی دارد که دو وجه گفتار و عمل، قابل سنجش و مشاهده است. در اسلام، رشد اخلاق از سنین پایین شروع می‌شود، ولی درک صحیح اخلاقی از هنگامی است که به سن تکلیف می‌رسد و به درجه‌ای از درک و آگاهی می‌رسد که مسئول خوب و بد اعمال شناخته می‌شود. نکته جالب توجه در مقایسه اخلاق اسلامی با سایر مکاتب آن است که در اینجا حدودمرزی برای تکامل اخلاقی و سن مشخصی برای کمال اخلاقی تعیین نشده است، اما آموزش اخلاقی

از کودکی شروع می‌شود و شیوه آموختن، تقلید و سرمشق‌گیری از بزرگ‌ترها به ویژه والدین است؛ توصیه بزرگان دین آن است که این سرمشق‌گیری با انجام فرائض دینی باشد. در اینجا وجه اشتراک دیدگاه اسلامی و بندورا نمایان می‌شود. شیوه آموزشی دیگر در اسلام برای اخلاق، آموزش‌های غیرمستقیم با تکیه بر داستان‌ها و مثل‌هاست که در قرآن به دفعات آمده است. شیوه آموزشی سوم، شیوه تذکر به صورت امر به معروف و نهی از منکر است (کریمی، ۱۳۹۸).

عامل دهم اسخراج شده از پژوهش حاضر بر پایه نظریه بندورا نام‌گذاری شده است. بندورا معتقد است که ارزش‌های اخلاقی افراد بر اساس اصول یادگیری و مشاهده و تقلید از دیگران کسب می‌شود. از دیدگاه او کودکان آنچه را از دیگران می‌بینند تا زمانی که به تنبیه نیا انجامیده است، تقلید می‌کنند. در این رویکرد، معیارهای اخلاقی کسب می‌شوند. معیار اخلاقی به تدریج از راه تعامل با الگوها رشد می‌کند. در رابطه با اخلاق، والدین قواعد و مقررات اخلاقی را سرمشق کودکان خود قرار می‌دهند و کودکان سرانجام آنها را درونی می‌کنند. پس از آنکه معیارها درونی شدند، تعیین می‌کنند که کدام رفتارها یا افکار، درونی نمی‌شوند و کدام نباید بشوند. دور شدن از معیارهای اخلاقی سبب ایجاد تحقیر خود می‌شود که تجربه مطبوعی نیست. بنابراین، فرد بر اساس معیارهای اخلاقی خودش عمل می‌کند. بندورا (۱۹۹۱) می‌گوید که انتظار سرزنش از خود برای انجام رفتاری که از معیارهای شخصی عدول می‌کند، منبعی انگیزشی فراهم می‌کند که در حضور عوامل تحریکی دیگر، رفتار فرد را در چارچوب معیارها نگه می‌دارد. هیچ تنبیهی به اندازه تحقیر خود، زیان‌بار نیست. بنابراین، معیارهای اخلاقی درونی شده از راه تعامل با دیگران عملکرد اخلاقی را تبیین می‌کند (هرگنهان و اولسون، ۱۳۹۸).

عامل یازدهم و دوازدهم اسخراج شده از پژوهش حاضر بر پایه نظریه رست نام‌گذاری شده است. در مؤلفه حساسیت اخلاقی، فرد باید بتواند موقعیتی خاص را از این نظر که چه اعمالی ممکن بوده است چه کسی (از جمله خود فرد) از هریک از فعالیت‌ها یا اقدام‌های متأثر خواهد شد، افراد این اثرات را بر منافع خود چگونه خواهند دید، قضاوت کند. به طور کلی تفسیر موقعیت و پیامدهای آن برای فرد و افراد دیگر مورد نظر است. نکته قابل

توجه در این مؤلفه این است که آیا فرد حساسیت لازم برای رعایت اخلاقیات و ارزش‌های جامعه را دارد یا نه و آیا فرد به اخلاقیات توجه دارد. (رست، ناروز، بیو و توما، ۱۹۹۹) از نظر رست، اینکه فرد نسبت به رفتار خود حساسیت داشته باشد و این آگاهی که رفتار و عمل او بر دیگران چه تأثیری می‌گذارد، مهم است. این حالت نشان‌دهنده آن است که فرد، موقعیت را تفسیر می‌کند. برای مثال فردی که حساسیت اخلاقی دارد در موقعیتی مثل زندگی آپارتمانی، به این حساس است که آیا با رفتارهای خود آسایش همسایگان را برهم می‌زند یا نه. این ویژگی به معنای آن است که فرد از حالت خودمحوری خارج شده است. فردی که به حساسیت اخلاقی رسیده است، سعی می‌کند که اشتباه خود را جبران کند و دوباره دیگر چنان تصمیمی که به ضرر دیگران بوده است، نگیرد (خادمی، ۱۳۸۹).

مؤلفه دیگر، توانایی اجرا کردن تصمیم فرد است. اینکه فرد با پافشاری و غلبه بر موانع و عوامل مزاحم بتواند تصمیم خود را اجرا کند مستلزم داشتن مهارت‌های اجرایی و ایگوی قوی داشتن است. آمادگی فرد برای انجام رفتار اخلاقی، عاملی برای داشتن اخلاق است. کسی که حساسیت دارد، ولی توانایی اجرای آن را ندارد، ناتوان از اظهار رفتار اخلاقی است. به اعتقاد رست، برای بروز رفتار اخلاقی، فرد باید پشتکار کافی، قدرت من و توانایی‌های اجرایی برای انجام اقدامات لازم را داشته باشد تا بتواند نیت و قصد اخلاقی خود را دنبال کند و در برابر موانع اجرای رفتار اخلاقی مقاومت کند (رست، ناروز، بیو و توما، ۱۹۹۹).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده روایی و پایایی مناسب مقیاس ویژگی‌های اخلاقی در زنان است. از محدودیت‌های تحقیق حاضر باید گفت که پژوهش حاضر مبتنی بر نمونه‌ای است که در بین دانشجویان زن ارومیه انجام شده است. شرایط و موقعیت فرهنگی-اجتماعی بر نتایج پژوهش اثر گذاشته است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که اجرای همین پژوهش در مورد نمونه‌های دیگر می‌تواند نتایج تعمیم‌پذیرتری به دست دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود برای سنجش عینی ویژگی‌های اخلاقی به منظور تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی یا تحقیقات در حوزه اخلاق از پرسش‌نامه حاضر استفاده شود. با توجه به آنچه بیان شد، عوامل دوازده‌گانه مذکور از سازنده‌های مهم

ویژگی‌های اخلاقی است. ویژگی‌های اخلاقی در همه جوامع به چشم می‌خورد، ولی باتوجه به موقعیت جامعه، نوع و میزان و شدت آنها متفاوت است. تحول ویژگی‌های اخلاقی در بین افراد جامعه، امر خوشایندی است؛ زیرا از طرفی بر اصلاح امور فردی تأثیر می‌گذارد و از طرف دیگر، بنیان‌های جامعه را تقویت می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر به دلیل بومی بودن، قابلیت تعمیم‌پذیری و جامعیت استفاده بیشتری دارد در حالی که یافته‌های به دست آمده از کشورهای پیشرفته در تحقیقات پیشین، ممکن است به دلیل پیشینه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در فرهنگ جامعه کنونی قابل کاربرد نباشد. از این رو، پرسش‌نامه حاضر در زمینه پژوهش و کاربرد تصمیم‌سازی در فرهنگ ایرانی قابلیت اجرایی دارد و زمینه پژوهش‌های متعددی را در روان‌شناسی فراهم می‌کند.

فهرست منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۹۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی: کاوشی برای تدوین چارچوب نظری تربیت اسلامی. تهران: منادی تربیت.
۲. پروین، جان (۱۳۹۵). شخصیت: نظریه‌ها و تحقیق. مترجم: جعفری، محمدجواد، و کدیور، پروین. تهران: آبیژ.
۳. خادمی، علی (۱۳۸۹). رویکردهای نوین در روان‌شناسی رفتارهای جنایی. تهران: علم.
۴. غیائی، غلامرضا (۱۳۹۲). عوامل و مراحل تکون رفتار اخلاقی در اسلام. نشریه معرفت اخلاقی، (۱)، ۱۹-۳۶.
۵. کریمی، یوسف (۱۳۹۸). روان‌شناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: ارسباران.
۶. کدیور، پروین (۱۳۹۸). روان‌شناسی اخلاق. تهران: آگه.
۷. گلور، جان و برونینگ، راجر (۱۳۸۸). روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد آن. مترجم: خرازی، علی نقی. تهران: نشر دانشگاهی.
۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۸). حیل‌المتقین. قم: مسجد مقدس.
۹. محسنی، نیک‌چهره (۱۳۹۷). نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد: شناخت، شناخت اجتماعی، شناخت و عواطف. تهران: جاجرمی.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). آشنایی با علوم اسلامی، حکمت عملی. تهران: انتشارات صدرا.
۱۱. مقدسین، مریم، ارجمند، فتنه، و محمدخانی، شهرام (۱۳۹۸). هنجاریابی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه نگرانی (PSWQ-C) در کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۸ ساله. نشریه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، (۳)، ۱-۲۶.
۱۲. منصور، محمود (۱۳۹۸). روان‌شناسی ژنتیک. تهران: سمت.
۱۳. منصور، محمود، و دادستان، پرریخ (۱۳۹۶). روان‌شناسی ژنتیک ۲. تهران: رشد.
۱۴. هدفیلد، جیمز آرتور (۱۳۷۴). روان‌شناسی و اخلاق. مترجم: پریور، علی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. هرگنهان، بی. آر.، و اولسون، میتو (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. مترجم: سیف، علی اکبر. تهران: دوران.
۱۶. هرمینگ، ویلیام (۱۳۹۷). قاتلان زنجیره‌ای: رشد روانی اجتماعی بدترین مجرمان جامعه. مترجم: قادری، داود. پورصادق، کیوان، و امیرسرداری، لیلی. تهران: وانیبا.
17. Bandura, A. (1991). *Social cognitive theory of moral thought and action*. Handbook of moral behavior and development, eBook ISBN:9781315807294.
18. Gilligan, C. (1984). *Sex differences in the expression of moral judgement*. USA: Combridgemass Harward university press.
19. Greene, J. D., Nystrom, L. E., Engell, A. D., Darley, J. M., & Cohen, J. D. (2004).

- The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment. *Neuron*, 2, 389- 400.
20. Haidt, J. (2007). The new synthesis in moral psychology. *Science*, 316, 998-1002.
 21. Hauser, M. D., Cushman, F., Young, L., Jin, K-X. R., & Mikhail, J. (2007). A Dissociation between moral judgments and justifications. *Mind & Language*, 22(1), 1-21.
 22. Margoni, F., & Surian, L. (2020). Conceptual continuity in the development of intent-based moral judgment. *Journal of Experimental Child Psychology*, DOI:10.1016/j.jecp.2020.104812
 23. Rest, J. R., Narvaez, D., Bebeau, M., & Thoma, S. (1999). *Postconventional Moral Thinking: A Neo-Kohlbergian Approach*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
 24. Swanson, L. H. & Hill, G. (1993). Metacognitive aspects of moral reasoning and behavior. *Adolescence*, 28, 711- 725.
 25. Teper, R., Inzlicht, M., Page-Gould, E. (2011). Are we more moral than we think?: Exploring the role of affect in moral behavior and moral forecastin. *Psychological Science*, 22 (4), 553-558.
 26. Turiel, E. (2018). Moral Development in the Early Years: When and How. *Human Development*, 61, 297-308.

